بی‌نظمی در نقاب نظم

بررسی سیاست خارجی دولت با نگاهی به نظریه رژیم‌ها در دیپلماسی بین‌الملل

تحلیل
علیرضا داوودی*

ناکارآمدی نظام جامعه ملل پیش از جنگ دوم جهانی و فروپاشی نظام دو قطبی پس از جنگ جهانی، دو عامل مهم در فروکش کردن تب جریانات سنتی و اصلی یعنی واقع‌گرایی (رئالیسم) و آرمانگرایی (ایده‌آلیسم) در حوزه روابط بین‌الملل و تسریع‌کننده بروز و تکامل نظریات نوین در این حوزه بود. مناظرات «نئو - نئو» با این بحران معنای عمیق‌تری یافت و وارد عرصه جدی‌تری شد که موجب شد در تمام حوزه‌های مرتبط با جهان بین‌الملل، مرزها و موضوعات اندیشیدن تغییر پیدا کند. یکی از این اندیشه‌ها که پس از بحران‌های دهه ۷۰ میلادی و متأثر از ثابت ماندن نظام اقتصادی جهانی امریکایی بنا شده پس از جنگ جهانی شکل گرفت، نظریه‌ای است که به «نگرش رژیم‌ها» مشهور شده است. این نظریه در واقع بازگشت به سؤال اولیه جریانات سنتی در امکان یا عدم امکان قانون‌مندی نظام بین‌الملل و ارائه جوابی جدید به این پرسش است. چنانکه هم واقع‌گرایان و هم آرمانگرایان با توجه به آن تغییراتی را در اندیشه خود در راستای تطابق با این تحولات ایجاد کردند.

۱- نظریه رژیم‌ها در گذر تاریخ

رژیم‌های بین‌المللی از اواسط دهه ۱۹۷۰ در دانشکده‌های شرق امریکا و کانادا سر برافراشت و در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ اوج گرفت و حتی توانست توجه دانشگاه‌های اروپایی را که محصور در مطالعات تاریخی و حقوقی روابط بین‌الملل بودند را نیز جلب کند. رژیم‌های بین‌المللی در واقع ادامه بحث نهادگرایی لیبرال و نو لیبرال است و ریشه در همگرایی، وابستگی متقابل و کارکردگرایی دارد.

واژه رژیم در سال ۱۹۷۲ در مطالعات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست توسط «گولدای» مطرح شد. اما ریچارد کوپر بود که مجدداً در سال ۱۹۷۵ در قالب نظام پولی بین‌المللی، رژیم‌ها را مطرح کرد. در سال ۱۹۷۵ «ارنست‌هاس» طی مقاله‌ای، رژیم‌های بین‌المللی و سیستم‌ها را مورد مطالعه قرار داد. وی بار دیگر در همان سال به اتفاق «جان راگی» مقاله معروف خود را در مورد نقش تکنولوژی در صحنه بین‌المللی نوشت. رابرت کوهین و جوزف نای در اثر مشترک خود به بررسی رژیم‌های بین‌المللی پرداختند. «اوران یانگ» در سال ۱۹۷۵ در کتاب خود و در سال ۱۹۷۹ در یک مقاله به رژیم‌های منابع طبیعی اشاره کرد و در سال ۱۹۸۰ به مطالعه و مشکلات مفهوم رژیم‌های بین‌المللی پرداخت. در دهه ۱۹۷۰ «استفن کراسنر» به همراه چند نفر از نویسندگان رژیم‌های بین‌المللی، ۱۳ مقاله برجسته را در یک کتاب به نام «رژیم‌های بین‌المللی» انتشار داد. حرکت ایجاد شده برای تبیین مفهوم رژیم‌های بین‌المللی توسط اندیشمندانی چون ارنست‌هاس، جان راگ جی، کوهین، جوزف نای، اوران یانگ، ریچارد کوپر و کراسنر تداوم یافت و از آن زمان تاکنون مقالات بی‌شماری راجع به رژیم‌های بین‌المللی نوشته شده است. طی سال‌های دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تئوری رژیم‌های بین‌المللی به عنوان هسته اصلی تحقیقات تجربی و مناظرات تئوریکی و آخرین موج تئوری‌های روابط بین‌الملل مطرح شد.

نظریه رژیم‌های بین‌المللی

شاید بتوان اولین تعریف از رژیم‌های بین‌المللی را مربوط به جان راگ جی دانست. وی که در سال ۱۹۷۵ مفهوم رژیم‌های بین‌المللی را وارد ادبیات سیاسی بین‌المللی کرد، تعریفی به شرح زیر از رژیم‌ها ارائه داد: «مجموعه انتظارات متقابل، قواعد و مقررات، برنامه‌ها، انرژی‌های سازمانی و تعهدات مالی را که توسط گروهی از دولت‌ها پذیرفته شده‌اند رژیم‌های بین‌المللی گویند.»

هرچند ریچارد هاس، دونالد پوچالا و ریموندهاپکینز به عنوان اندیشمندان برجسته در حوزه نظری رژیم‌های بین‌المللی اقدام به تعریف رژیم بین‌المللی نموده‌اند اما این استفان کرسنر بود که در اوایل دهه ۱۹۸۰ واژه رژیم‌ها را در قالب یک تعریف جامع معنا بخشید تا جایی که تعریف کرسنر از رژیم‌های بین‌المللی به عنوان یک تعریف استاندارد توسط محافل دانشگاهی پذیرفته شد.

کرسنر رژیم را مجموعه قواعد، اصول، هنجارها، قوانین و فرآیندهای تصمیم‌گیری ضمنی و صریح می‌داند که بر مبنای آن توقعات بازیگران در حوزه معینی از روابط بین‌الملل به یکدیگر نزدیک می‌شوند و همگرایی پیدا می‌کنند.

این تعریف جامع از رژیم‌ها در درون خود حاوی مفاهیم مهمی است که برای درک این نظریه فهم آنها ضروری است.

اصول: اصول را به مثابه باورهای مربوط به واقعیت و علیت معنا نموده‌اند که مهم‌ترین بخش یک رژیم را تشکیل می‌دهد؛ لیکن اصول را باید در رابطه با اهداف معنا کرد، چراکه در هر رژیم، اصول مبتنی بر اهداف اولیه شکل‌گیری آن تبیین می‌شود؛ مثلاً در مقدمه منشور سازمان ملل «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» به عنوان یک اصل است. یک رژیم ابعاد مختلفی دارد، هر بعد آن می‌تواند «اصول» مختلفی داشته باشد که این تعدد اصول در یک رژیم را موجب می‌شود مانند رژیم امنیت دسته جمعی که دارای سه بعد ایجاد، حفظ و اجرای صلح است و هر کدام اصول خاص خود را دارد. شناخت اصول برای رفتار در درون رژیم ضروری است، چراکه هرگونه عمل خلاف اصول اصطکاک میان بازیگران را در پی خواهد داشت.

هنجارها: هنجارها در رابطه با رفتار بازیگران و چگونگی آن است. به عبارت دیگر، معیارها و استانداردهای رفتاری که بر حسب حقوق و تکالیف برای بازیگران تعیین می‌شوند و پس از اصول دارای بیشترین اهمیت در درون چارچوب رژیم است. هنجارهای رفتاری شیوه‌های حفاظت و رسیدن به اصول است به طور مثال در رژیم سازمان ملل(امنیت دسته جمعی) اقدامات جمعی مؤثر در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را مقرر می‌دارد که شامل هنجارهای رفتاری مانند از میان برداشتن تهدیدات علیه صلح و سرکوبی اعمال تجاوزکارانه یا موارد دیگر نقض صلح است. حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق ابزار صلح آمیز نیز هنجار دیگری است که مورد اشاره واقع شده و دولت‌ها موظف می‌شوند که رفتار خود را بر اساس آن تنظیم کنند.

قواعد: قواعد تنها مربوط به امر و نهی‌های مربوط به اعمال و رفتار نیستند بلکه در واقع قواعد ترتیباتی هستند که اصول و هنجارها به وسیله آن ترتیبات عملی می‌شوند. قواعد باید با اصول و هنجارهای مسلم مطابقت داشته باشند. قواعد ممکن است قانونی و رسمی باشند، مانند قطعنامه‌های شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل متحد یا غیررسمی باشند. یعنی رفتارهای مسلمی که در اثر تکرار به جایگاه قواعد ارتقا یافته باشند.

رویه‌های تصمیم‌گیری: این رویه‌ها عبارتند از شیوه‌های مطلوب تصمیم‌گیری دسته جمعی درمورد مسائل طرح شده در میان بازیگران رژیم یا عرف‌های رایج و حاکم بر اتخاذ تصمیم و انتخاب‌های دسته جمعی.

نظارت: سیستم‌ها و مکانیسم‌های نظارت بر اجرای اصول، هنجارها و قواعد رژیم است که وظیفه آن شناسایی هر رفتاری است که گونه‌ای از مخالفت را با اصول، قواعد و هنجارها داراست.

این مفاهیم اجزای اصلی تشکیل دهنده یک رژیم است که وجود و حفظ آنها برای بقای رژیم ضروری است بدون تفاوت در اینکه رژیم چه میزان گسترده است (دو جانبه، چندجانبه یا همه‌جانبه) و چه موضوعاتی (تک موضوع یا فراگیر) را شامل می‌شود.

۲- کارکرد نظریه رژیم‌ها

رژیم‌های بین‌المللی در عرصه‌های مختلف روابط بین‌الملل به عنوان مکانیسم‌های همکاری بین دولت‌ها مطرح هستند که ایجاد اعتماد و امنیت می‌کنند و به ثبات نظام بین‌الملل یاری می‌رسانند. به عبارت دیگر، باید گفت مهم‌ترین نقش رژیم‌های بین‌المللی در ایجاد «همکاری بین دولت‌ها» است. یعنی رژیم‌ها به عنوان یک ساز و کار و مکانیسم، چرخ همکاری بین دولت‌ها را به حرکت در می‌آورند. رژیم‌ها باعث می‌شوند آن عامل عدم اطمینان و نامعلومی که در نظام بین‌الملل وجود دارد، کاهش پیدا کند، چراکه درواقع، رژیم‌های بین‌المللی آن اطلاعات را در نظام بین‌الملل ارائه می‌دهند که باعث می‌شوند دولت‌ها منافع خود را بازنگری کنند. رژیم‌های بین‌المللی پس از ایجاد همکاری به نظم و ثبات سیستم کمک می‌کنند.

به مرور زمان نظریه رژیم‌ها در تمام زمینه‌های بین‌الملل مطرح شده و مفهوم یافته‌اند از جمله مسائل اقتصادی، زیست‌محیطی، امنیتی، حقوق بشر، کنترل تسلیحات و خلع سلاح، تکنولوژی هسته‌ای، منابع زیرزمینی، هوانوردی، دریانوردی، تعیین مرزهای جغرافیایی و...

به اذعان اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل رژیم‌های بین‌المللی برآمده از خواست و تمایلات اولیه هژمون جهانی(شوروی و ایالات متحده در دوران نظام دو قطبی و ایالات متحده در زمان حاضر) است اما پس از برقراری و فراگیری آن حتی در صورت افول هژمون رژیم به کار خود ادامه می‌دهد، چراکه با پذیرش عمومی یک رژیم مشروعیت اقدامات خود را نه از هژمون که از همین مقبولیت تحصیل می‌کند و می‌تواند در مواردی خود هژمون را نیز محدود کند با این حال هیچ رژیمی ثابت نیست و دائماً احتمال تغییر یک رژیم وجود دارد.

> دولت یازدهم با تبعیت کامل از رژیم موجود (ورود به رژیم) و پذیرش نظارت‌های راستی آزمایانه بین‌المللی (حتی فراتر از هنجارها و قواعد رژیم فعلی) و کاهش حقوق هسته‌ای خود(کاهش منافع ملی) و انجام اقدامات اعتمادساز (کاهش توان متعارف هسته‌ای خود اعم از ذخایر مواد غنی‌سازی شده، ماشین آلات و برنامه‌های تحقیق و توسعه) خود را به عنوان یک عضو متعهد در درون رژیم جای دهد و بر این اساس در مذاکرات تقاضای تخفیف و رفع مجازات‌های اعمال شده را داشته باشد

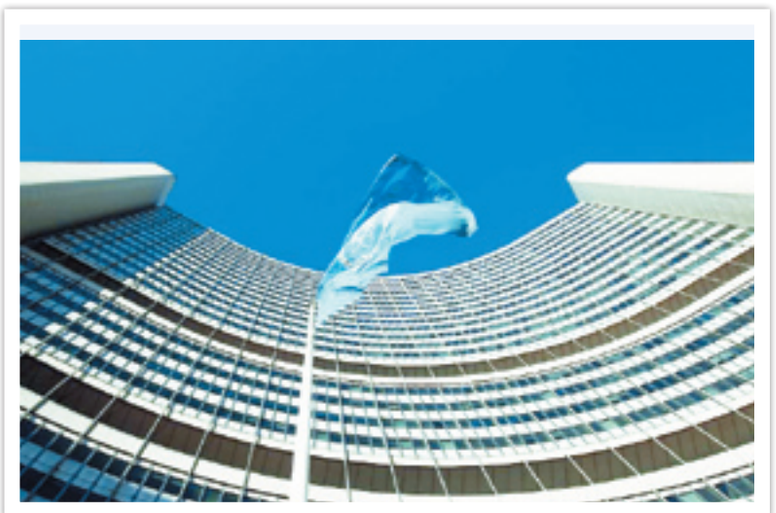

آنچه بسط اندیشه رژیم‌ها را در عرصه‌های مختلف بین‌المللی به‌وجود می‌آورد بازتعریف همکاری در عرصه‌های جهانی است. مفهوم محوری در نگرش رژیم‌ها بر این پایه استوار است که هر چند نظام بین‌المللی فاقد یک قانون‌مندی همانند یک کشور است و هرج و مرج بر جامعه بین‌المللی مستولی است اما به واسطه رژیم‌ها می‌توان بر آن فائق آمد و از تبعات آن کم نمود. تأکید این نظریه بر این است که وجود رژیم موجب می‌شود که انتظارات رفتاری میان کشورها نزدیک شود یعنی رفتار هر کشور قابل درک و پیش‌بینی گردد که این امر ریسک را در عرصه بین‌الملل و تصمیم‌گیری کاهش می‌دهد. این کاهش ریسک در بلندمدت هر چند بر دستیابی به تمام توقعات ملی در عرصه بین‌المللی تاثیر می‌گذارد اما منافع عقلانی و بلند مدت مشترک را تأمین و از بروز ناامنی جمعی جلوگیری می‌کند. این امر بدان معناست که بر خلاف دیدگاه برخی رژیم‌های بین‌المللی (اعم از رژیم‌های سیاسی مانند سازمان ملل و شورای حکام، رژیم‌های اقتصادی نظیر سازمان تجارت جهانی و رژیم‌های نظامی همچون ناتو) نه تنها در کلان، تهدیدی برای منافع ملی محسوب نمی‌شود بلکه ابزاری در راستای تحقق این منافع است که این مهم وابسته به کارکرد رژیم است.

به طور کلی رژیم دارای سه کارکرد اصلی است:

۱- در چارچوب حوزه‌های موضوعی الگوهای رفتاری ایجاد می‌کند که منجر به سازگاری دولت‌ها و پیش‌بینی پذیری رفتارها می‌شود، چراکه دولت‌ها می‌دانند ناسازگاری با قواعد یک رژیم مجازات را در پی دارد.

۲- با ایجاد و ارائه کانال‌های موجه چانه‌زنی بین‌المللی هزینه‌های مبادلاتی و چانه‌زنی در مسیر غیر معمول و نامشروع را افزایش می‌دهد.

۳- رژیم‌ها به واسطه ارائه اطلاعات دقیق و شفاف و نظارت دائم احتمال تقلب و فریب در نظام بین‌المللی را کاهش می‌دهند و اعتماد را در درون فضای رژیم حاصل می‌کنند.

بر اساس این سه کارکرد هر چند دولت‌ها در ابتدا با هدف افزایش قدرت و تحصیل تمام منافع ملی پا به جریان رژیم‌های بین‌المللی می‌گذارند اما در سیر زمان عقلانیت محصور دولت‌ها را مجاب می‌کند که کاهش خواسته‌ها و منافع را در برابر افزایش تنش و مجازات‌های بین‌المللی برگزینند.

در یک کلام رژیم‌ها نظم بین‌المللی را ایجاد می‌کنند و برای حفظ این نظم باید با هر آنکه نظم را تهدید می‌کند مقابله نمود.

نظریه رژیم‌ها سطح وسیعی از جدل‌ها و منازعات را ایجاد نمود و در حد گسترده مورد استفاده اندیشمندان و تحلیلگران قرار گرفت که مجالی برای بررسی تمام ابعاد و تقسیمات آن نیست اما برای درک بهتر این نظریه و چگونگی کاربرد آن در مسائل روز می‌توان از یک مورد بین‌المللی مانند پرونده هسته‌ای ایران به عنوان مصداق عملی استفاده کرد.

۳- رژیم عدم اشاعه و پرونده هسته‌ای ایران

پایان جنگ جهانی دوم همزمان بود با تولد مخرب‌ترین سلاح تولید شده توسط بشریت که نحوست خود را در هیروشیما و ناکازاکی با کشتار چند صد هزار شهروند غیر نظامی نشان داد اما همین فرزند نحس خشونت و قدرت‌طلبی به ابر قدرت‌ها فهماند که قدرت در دوران پس از جنگ جهانی وابسته به داشتن این سلاح است. همین آغازی بود برای شروع یک مسابقه تسلیحاتی که با آزمایش اولین بمب اتمی شوروی ماهیتی واقعی و جدی به خود گرفت و کم‌کم کشورهای دیگر هم به جمع دارندگان این سلاح اضافه شدند که این موجبات ترس جدیدی را فراهم کرد.

ابرقدرت‌ها که از تهدید رقیب خود به واسطه داشتن سلاح اتمی خلاص شده بودند اکنون با میل روزافزون کشورهای دیگر و گاهاً کوچک و عقب‌مانده مواجه بودند که برنامه‌های جسورانه تولید سلاح هسته‌ای را دنبال می‌کردند. این امر علاوه بر تهدید مستقیم ابر قدرت‌ها، تهدیدی واقعی برای کل جهان بود، چراکه احتمال وقوع یک نبرد حماقت‌آمیز هسته‌ای را افزایش می‌داد به گونه‌ای که ساعت نابودی جهان را به مرزهای ساعت صفر رسانده بود. حفظ قدرت انحصاری و ترس مشترک منجر به شکل‌گیری رژیم بین‌المللی، عدم اشاعه (NPT) و شکل‌گیری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد که ساختار و ساز و کاری بین‌المللی را در تنظیم جهان افسارگسیخته برنامه‌های هسته‌ای ایجاد کرد. این رژیم به‌رغم تمام ضعف‌ها و کاستی‌های ناشی از خودخواهی دارندگان سلاح هسته‌ای مقبولیت بین‌المللی کسب نمود و توانست خود را به عنوان یک رژیم فراگیر مطرح کند. این رژیم مبتنی بر اصل ممنوعیت تولید سلاح برای فاقدین و لزوم خلع سلاح واجدین ایجاد شد و هنجار اصلی آن همکاری و تبعیت کامل در راستای روشن‌سازی برنامه‌های هسته‌ای تمام اعضا برای اطمینان از تحقق این اصول است و قواعد خاص آن در قالب ضمیمه‌های معاهده جامع عدم اشاعه و قطعنامه‌های شورای حکام و قوانین نظارتی خاص آن تدوین شده است و پرونده ایران نیز در همین قالب مورد بررسی و توجه قرار گرفته است.

> مفهوم محوری در نگرش رژیم‌ها بر این پایه استوار است که هر چند نظام بین‌المللی فاقد یک قانون‌مندی همانند یک کشور است و هرج و مرج بر جامعه بین‌المللی مستولی است اما به واسطه رژیم‌ها می‌توان بر آن فائق آمد و از تبعات آن کم نمود

رفتار ایران در قبال رژیم عدم اشاعه

رفتار ایران درباره مسئله هسته‌ای در دولت نهم و دهم هر چند مبتنی بر حقوق مسلم و منافع ایران بود اما به دلیل اینکه خارج از عرف و هنجار این رژیم بوده(عدم پذیرش نظارت‌های قانونی و فرا قانونی و همکاری کامل با آژانس در جهت اطمینان‌سازی از ماهیت صلح آمیز برنامه) و از قواعد و اصول آن (هر چند با دلایل منطقی) سرپیچی شده است تبدیل به یک بحران گسترده با تبعات جهانی شده است. به همین دلیل هر چند ایران صرفاً به دنبال حقوق خود بوده اما کشورهای جهان در درون این رژیم چاره‌ای جز همراهی با رژیم نداشته‌اند و به همین دلیل به رغم حمایت انفرادی بسیاری از اعضای آژانس(مانند بیانیه همیشگی اعضای جنبش عدم تعهد در حمایت از برنامه ایران) اما در رأی‌گیری قطعنامه‌های پیشنهادی همگی عموماً رأی‌های مشابه در تأیید قطعنامه داده‌اند، چراکه این کشورها ناچار در تبعیت از رژیم هستند.

اما آنچه در دوران دولت کنونی و سیستم وزارت خارجه فعلی به عنوان اصل اولیه ارتباطات بین‌المللی انتخاب شده و مورد توجه قرار گرفته، تأکید بر همین نگرش رژیم‌ها و نهادگرایی است و پرونده هسته‌ای ایران نیز با توجه به همین نگرش و بر اساس اصول مورد توافق آن تا رسیدن به برجام پیش رفته است.

دولت یازدهم با قرار دادن نظریه رژیم‌ها در مرکزیت سیاست‌گذاری بین‌المللی و تأکید بر لزوم همکاری در درون رژیم عدم اشاعه و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصمیم گرفت با تبعیت از هنجارهای بین‌المللی در این عرصه و پذیرش اصول و قواعد حاکم بر این عرصه گام در مسیر حل این پرونده بگذارد.

همانطور که عنوان شد، یکی از مهم‌ترین نکات در پذیرش یک رژیم از طرف بازیگری مستقل، پذیرش اختیاری کاهش در منافع ملی در برابر مصونیت یا حذف مجازات‌های عدم تبعیت از رژیم است. دولت جمهوری اسلامی ایران به واسطه همین عدم تبعیت از رژیم‌های حاکم مشمول تحریم‌های شدید بین‌المللی شده بود. رفتار دولت یازدهم را می‌توان تماماً به واسطه نظریه رژیم‌ها تبیین و دلایل و اهداف هر رفتار را بر اساس همین نظریه تشریح نمود. دولت یازدهم با تبعیت کامل از رژیم موجود(ورود به رژیم) و پذیرش نظارت‌های راستی آزمایانه بین‌المللی(حتی فراتر از هنجارها و قواعد رژیم فعلی) و کاهش حقوق هسته‌ای خود(کاهش منافع ملی) و انجام اقدامات اعتمادساز(کاهش توان متعارف هسته‌ای خود اعم از ذخایر مواد غنی‌سازی شده، ماشین آلات و برنامه‌های تحقیق و توسعه) می‌تواند خود را به عنوان یک عضو متعهد در درون رژیم جای دهد و بر این اساس در مذاکرات تقاضای تخفیف و رفع مجازات‌های اعمال شده را داشته باشد، چراکه عملا نشان داده است دلیلی برای اعمال مجازات وجود ندارد. این رفتار دولت در مذاکرات هسته‌ای با گروه ۱+۵ نیز کاملاً مشهود است، چراکه اولاً در هماهنگی کامل با نهاد ناظر این رژیم(آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شخص دبیر کل) مذاکرات انجام گرفته، ثانیاً به طور تخصصی نقشه راه‌حل مسئله مبتنی بر قواعد و هنجارهای موجود و تأیید نهاد ناظر تعیین شد(تمام مراحل برجام حاوی بخشی از تعهدات ذیل رژیم عدم اشاعه و ضمیمه‌های آن می‌باشد و تأیید این نهاد ناظر نیز ضروری است.)

کاهش سطح منافع ملی ترسیمی در دیپلماسی دولت از سطح آرمانی را می‌توان بر اساس همین نگرش نهادگرایانه و رژیم باور تبیین نمود و آن را جدی‌ترین اختلاف میان عملکرد دیپلماسی دولت کنونی و دولت پیشین عنوان کرد، چراکه بر اساس این باور هر چند منافع کمتری برای کشور تحصیل می‌شود اما اولاً تحصیل منافع مورد نظر تضمینی است و در برابر آن از مجازات‌ها و عواقب منفی احتراز شده است که مبتنی است بر عقلانیت واقع‌گرایانه و با در نظر گرفتن این شواهد می‌توان به سادگی ادعا کرد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه و در مقطع کنونی تابع رژیم بین‌المللی بوده و بر اساس باور به رژیم عدم اشاعه سعی بر حل مشکلات خود داشته است و این رفتار در پرونده‌های دیگر و بخش‌های دیگر بین‌المللی اعم از مسائل اقتصادی(ورود به اقتصاد جهانی و سازمان تجارت جهانی)، فرهنگی، علمی، سیاسی (سوریه، یمن و مبارزه با تروریسم) نیز قابل رهگیری و مشاهده است.

نتیجه‌گیری

نظریه رژیم‌ها به عنوان یک نظریه پسا جنگ سردی توانسته تا حدودی در برابر ادعای هرج و مرج مطلق عرصه بین‌الملل فائق آید. این رژیم‌ها نبود قدرت نظم‌دهنده را تلطیف نموده‌اند. دولت یازدهم و سکانداران وزارت خارجه نیز با توجه به همین نگرش نظری و قرار دادن آن در مرکزیت دیپلماسی خود به دنبال حل بحران‌ها و ادغام در سیستم‌های موجود جهانی در راستای تضمین تحصیل منافع ملی و مصون ماندن از مجازات‌ها می‌باشند که پرونده هسته‌ای مهم‌ترین و بهترین نمونه این سیاست خارجی نهادگرا و رژیم محور است.

میزان خوشبین بودن به نظریه رژیم‌ها نسبت مستقیمی با عملکرد مستقل رژیم‌ها دارد، به گونه‌ای که اگر بتوان رژیم‌های بین‌المللی را نهادهای مستقلی ترسیم کرد می‌توان خوشبین بود که می‌توان در ازای تعدیل و کاهش سطح منافع ملی اکتسابی، خطرات و تهدیدهای ناشی از آن را دفع نمود. اما اینکه رژیم‌های امروزی حاکم بر مناسبات بین‌المللی چه میزان دارای استقلال عملکرد هستند یا چقدر متناسب با خواست قدرت هژمون عمل می‌کنند، مسئله‌ای است که با بررسی آن در مجالی دیگر می‌توان درباره پذیرش این نظریه توسط دولت فعلی قضاوت کرد.

*کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و دیپلماسی بین‌المللی